

العدالة لا اله الا هو القويم در هر سه سورت است در سوره بقره در سوره آل
ظاهر است و در سوره طه لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله
و وعنت الوجوه للابقيوم لعن اسم اعظم مخصوص است باین سه سورت که در هر سه سورت
باین سه سورت العدالة لا اله الا هو القويم است یعنی همین منقول اول است که در هر
اعظم العدالة لا اله الا هو القويم است مخفیانه مذکور است اما مذکور است که اسم اعظم
در این سورت است و گفته اول از سوره بقره مخصوص است که الکلم لا اله الا هو القويم
در این آیه الحی القیوم نیست بلکه العدالة لا اله الا هو القويم اگر چه در سوره بقره
لیکن در حدیث اسما و صلاحت است باین جمع و تطبیق مصنف است که اسم اعظم
منظور است که هر گاه منتهی حد است که مجموع این سورت است که در هر سه سورت
اسم اعظم با عقا و مصنف است که العدالة لا اله الا هو القويم است در سوره
بقره و سوره آل عمران جمع است و در سوره طه منقول است که در هر سه سورت
که این اسم اعظم در هر سه سوره یک تیره باشد پس هر دو جمع هر تری مذکور است
که بگویم اسم اعظم در هر سه سوره لا اله الا هو است و از امام است فی منقول است که اسم
اعظم لا اله الا هو است و در موطن است که هر سه جزا و مفه است افضل با قلت
انا و الشیون من قبلی لا اله الا الله است و در بعضی شروح است که در هر
جمع مذکور است که بگویم اسم اعظم العدالة لا اله الا هو الرحمن اسم اعظم القیوم
است که مشتمل است بر جمع آنچه مذکور است در هر سه سوره لکن منتهی مخفیانه مذکور است نظیر
مصنف است که هر سه سورت که العدالة لا اله الا هو القويم در هر یک از این سه سوره
موجود است اگر چه در حدیث اسما در مجموع این سورت قول اول روایت است یعنی
من اسم اعظم العدالة لا اله الا هو القیوم است برای جمع و تطبیق بن علی بن

برای

برای حدیثی که در هر سه سورت است در هر سه سورت است در هر سه سورت است در هر سه سورت است
مردی در حدیثی که در هر سه سورت است در هر سه سورت است در هر سه سورت است در هر سه سورت است
العدالة لا اله الا هو القیوم است باین روایت بصیغه مجهول و معلوم است قول اول
فعلی اعلم یعنی نزد من اسم اعظم همین العدالة لا اله الا هو القیوم است و در
ولما تریتم کرم اسم اعظم در وضع همین است یا دیگر است و قاسم بن قاسم
ان قاسم است که بر عبد الرحمن است می گوید که قاسم است صاحب ابواب امر است
یعنی قاسم آن روایت است که از ابوالوامر که می گوید است شنید است و در حدیث
لقد قاسم کفایت مائة من الفیقه کذا فی الظاهر و تدریج هر چه که از ابوالوامر
اعظم است و اکثر خصوصیه اسم اعظم همین لفظ است انهم و اولادهم و دیگر
اسم اعظم است و جمع کرده است آن قول اول را شیخ عبد الله بن یوسف است اللهم
اننی اسألك بان لا اله الا انت باجتان ایشانی با جمیع السموات
و الارض یا ذوالجلال و الاکرام یا ضار الابرار من یا ذوالکریم الرحمن یا سميع الدعاء یا
الله یا ایاک بالدعاء الذی یا عالم یا سميع یا علم یا علیک یا علیک یا علیک یا علیک
یا حی یا قیوم یا علی یا علی یا علی یا علی یا قاهر یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم
سریع یا کریم یا محض یا معطر یا نافع یا مجیب یا معطي یا حی یا قیوم یا ارحم الراحمین
یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب یا رب
حسبی و نعم الوکیل انهم مخفیانه مذکور است در هر سه سورت که در هر سه سورت
اعظم همین است و در حدیث حضرت عثمان رضی الله عنه از بنی سعد صلعم
اسم اعظم اسم الله الرحمن الرحیم است و گفته اند که اسم اعظم سوره فاتیحه است
یا لله العسی است و سوره قدر و احادیث باین جمیع اقوال دیگر که در اسم اعظم است

Copyrighted by University